

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

اخلاق در خانواده

مؤلفان:

دکتر عصمت سوادى

دکتر فاطمه نوغانى

اکرم میناوند

این کتاب به عنوان کتاب درسی درس اخلاق در خانواده برای
رشته مدیریت خانه تدوین شده است.

سرشناسه	سوادى، عصمت، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پديد آور	اخلاق در خانواده/ عصمت سوادى، فاطمه نوغانى، اکرم ميناوند.
مشخصات نشر	تهران: ميناى خرد، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهرى	۱۶۸ ص.
شابک	978-600-5438-94-9
وضعيت	فهرست : فيبا
موضوع	اسلام و خانواده -- اخلاق اسلامى -- خانواده -- جنبه‌هاى اخلاقى
شناسه افزوده	نوغانى، فاطمه، ۱۳۳۷ -
شناسه افزوده	ميناوند، اکرم، ۱۳۴۹ -
رده بندى کنگره	BP ۲۳۰/۱۷۲/۳ ۱۳۸۹
رده بندى ديويى	۲۹۷/۴۸۳۱
شماره	کتابشناسى : ۱۹۰۳۹۰۲



نام کتاب:	اخلاق در خانواده
مؤلفان:	دکتر عصمت سوادى، دکتر فاطمه نوغانى، اکرم ميناوند
ناشر:	انتشارات ميناى خرد
تايپ و صفحه آرايى:	انتشارات ميناى خرد
طراح جلد:	سيد حسين حسيني
ليتوگرافى، چاپ و صحافى:	علامه
نوبت چاپ:	دوم - ۱۳۹۰
تيراژ:	۱۰۰۰
قيمت:	۷۵۰۰ ريال

شابک: ۹ - ۹۴ - ۵۴۳۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 5438 - 94 - 9

آدرس: تهران - خيابان انقلاب - خيابان ۱۲ فروردين - نبش خيابان شهيد وحيد نظرى - پلاک ۱۰۴

نمايش: ۶۶۴۸۰۶۶۶

تلفن: ۶۶۴۹۲۱۳۴

www.mabna.blogfa.com

فهرست مطالب

۸	مقدمه ناشر.....
۹	مقدمه مؤلفان.....
۱۱	پیش‌گفتار.....
۱۵	فصل اول: حقوق والدین.....
۱۶	حقوق والدین.....
۱۸	نیازهای عمده والدین.....
۱۹	عاق والدین.....
۲۰	مسئولیت‌های فرزندان در مقابل پدر و مادر در زمان حیات آنان.....
۲۵	حق پدر و مادر بعد از حیات.....
۲۷	آیات قرآن در زمینه احترام به پدر و مادر.....
۲۸	تقدم احترام مادر بر پدر.....
۲۹	حقوق پدر.....
۳۱	فصل دوم: خوش خلقی.....
۳۲	خوش خلقی با همسر و دوری از نکوهش و سخت‌گیری.....
۳۷	همکاری در امور خانه.....
۳۷	کمک در امور منزل.....
۴۳	خوش‌رفتاری.....
۴۵	محبت و احترام متقابل.....
۴۶	رفق و مدارا.....
۴۷	ساس روابط در خانواده.....
۵۱	ملاطفت با کودکان.....
۵۱	نیبویه‌های اعلام محبت.....
۵۲	آثیر محبت بر روی کودکان.....
۵۳	نیادهای عاطفی و اجتماعی فرزندان.....
۵۳	ف- نیازهای عاطفی- اجتماعی.....
۵۴	ب- احساس کفایت و عزت نفس.....
۵۵	ج- ابزارهای ارتباطی.....

۵۵.....	ارتباط کلامی.....
۵۶.....	ارتباط غیر کلامی.....
۵۷.....	تربیت احساسات و عواطف.....
۵۹.....	کمبود محبت و جلوه‌های آن.....
۶۳.....	کودکان نیازمند محبت.....
۶۳.....	افراط در محبت.....
۶۳.....	مسأله محبت و افراط در آن.....
۶۴.....	جلوه‌های افراط در محبت.....
۶۴.....	علل افراط در محبت.....
۶۵.....	ملاطفت با کودکان در اسلام.....
۶۶.....	اظهار محبت و علاقه پیامبر به کودکان.....
۶۷.....	تغذیه کودکان.....
۶۸.....	سلام کردن به کودکان.....
۶۸.....	بوسیدن کودکان.....
۶۹.....	پیامبر و بوسیدن فاطمه(س).....
۶۹.....	عدالت نسبت به کودکان.....
۷۰.....	بازی با کودکان.....
۷۱.....	سوار کردن کودکان.....
۷۱.....	رفتار پیامبر با کودکان خود در نماز.....
۷۵.....	فصل سوم: اخلاق اجتماعی
۷۶.....	ارزش اخلاق حسنه برای جامعه.....
۷۶.....	ضرورت حفظ حرمت و آبروی دیگران.....
۷۷.....	حفظ حرمت و آبروی دیگران از منظر روایات.....
۷۸.....	برخی دیگر از اخلاق اجتماعی.....
۸۱.....	فصل چهارم: حسن خلق
۸۲.....	حسن خلق.....
۸۲.....	جایگاه حسن خلق در اسلام.....
۸۳.....	حدود حسن خلق.....
۸۳.....	حسن خلق مؤمنان با یکدیگر.....
۸۴.....	حسن خلق با مجرمان.....
۸۴.....	خوش خلقی و پرهیز از چاپلوسی.....

.....	آثار و فوائد حسن خلق	۸۵
.....	آثار اجتماعی	۸۵
.....	آثار فردی	۸۶
.....	آثار اخروی	۸۸
.....	راهکارهای افزایش حسن خلق	۹۰
.....	فصل پنجم: رفق و مدارا	۹۱
.....	رفق و مدارا	۹۲
.....	ویژگی‌های مدارا گرایی	۹۳
.....	نقش مدارا در روابط اجتماعی	۹۳
.....	تأثیرات مثبت مدارا بر رفتارهای فردی	۹۴
.....	تحمل ناسازگاری	۹۶
.....	رابطه مدارا و خوشبختی	۹۶
.....	پاداش مدارا	۹۷
.....	فصل ششم: عفو و گذشت	۹۹
.....	بخشش	۱۰۰
.....	عفو و گذشت در اسلام	۱۰۰
.....	حدود عفو در اسلام	۱۰۲
.....	نوع جرم و وضعیت جرم	۱۰۲
.....	اثرات عفو و گذشت	۱۰۳
.....	فصل هفتم: تواضع و فروتنی	۱۰۷
.....	تواضع	۱۰۸
.....	انواع تواضع	۱۰۸
.....	تواضع در برابر خدا	۱۰۸
.....	تواضع در برابر رهبران	۱۰۹
.....	تواضع در برابر مردم	۱۰۹
.....	تواضع مذموم	۱۱۱
.....	تواضع در برابر متکبران	۱۱۱
.....	تواضع در برابر کافران	۱۱۱
.....	تواضع با ظالمان و فاسقان	۱۱۲
.....	تواضع با ثروتمندان و قدرتمندان	۱۱۲
.....	آثار تواضع و فروتنی	۱۱۳

۱۱۳	سربلندی و بزرگی مقام
۱۱۳	آثار تواضع
۱۱۴	راهکارهای افزایش تواضع و فروتنی
۱۱۷	فصل هشتم: شوخی و مزاح
۱۱۸	شوخی طبیعی و انواع آن
۱۲۰	کارکردهای اجتماعی شوخی طبیعی
۱۲۰	هوشیار ساختن افکار عمومی
۱۲۰	ایجاد همبستگی و انسجام
۱۲۱	ایجاد تغییر در یکنواختی زندگی
۱۳۱	پویایی روابط خانوادگی
۱۴۲	شوخی طبیعی و عملکرد تحصیلی
۱۴۲	آثار درمانی شوخی طبیعی
۱۴۳	شوخی طبیعی و فشار روانی
۶۲۳	مدل تعاملی فشار روانی
۶۲۵	شوخی و مزاح در اسلام
۱۲۵	ستایش مزاح
۱۲۵	نکوهش مزاح
۱۲۶	شوخی و مزاح از دیدگاه اسلام
۱۲۷	مزاح خصلتی مؤمنانه
۱۲۸	در سیره رهبران الهی
۱۲۸	حد و مرز شوخی
۱۲۹	نتیجه‌گیری
۱۳۱	فصل نهم: محبت و احترام
۱۳۲	محبت و احترام
۱۳۶	قاطعیت در اجرای عدالت
۱۳۶	معنای لغوی عدالت
۱۳۶	تعریف عدالت
۱۳۸	نظر نیچه و ماکیاولی درباره عدالت
۱۳۹	نظر برتراند راسل درباره عدالت
۱۴۰	نظر مارکسیسم درباره عدالت
۱۴۰	نظر اسلام درباره عدالت

۱۴۱	عدالت از قظر شهید مطهری
۱۴۲	منشأ عدل
۱۴۳	آثار عدل
۱۴۴	راه عادل شدن
۱۴۴	قاطعیت در اجرای عدالت
۱۴۵	فصل دهم: مدیریت و رهبری و رعایت اصول انسانی
۱۴۹	حضور در مجامع
۱۴۹	حضور زن در مجامع
۱۵۰	هدایت و ارشاد
۱۵۰	هدایت
۱۵۰	قلمرو و مراحل هدایت و ارشاد
۱۵۱	ضرورت هدایت و ارشاد
۱۵۲	پاداشی هدایت و ارشاد
۱۵۲	عنصر مکان در هدایت و ارشاد
۱۵۴	ابزار هدایت و ارشاد
۱۵۴	روش تبلیغ
۱۵۵	تعلیم و تربیت
۱۵۷	فصل یازدهم: حقوق مؤمنین
۱۵۹	حقوق همسایه
۱۶۱	بررسی وضعیت کنونی در ارتباط با حقوق همسایه
۱۶۲	عوامل ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی
۱۶۵	فهرست منابع

مقدمه ناشر

به نام آن که جان را فکرت آموخت

با سپاس فراوان به درگاه خداوند متعال که توفیق عنایت کرد تا با همکاری دانشگاه جامع علمی- کاربردی، مراکز آموزش علمی- کاربردی و اساتید محترم این دانشگاه، در راه تدوین، تألیف و چاپ کتاب‌های درسی این دانشگاه گام برداریم.

انتشارات مبنای خرد یا هماهنگی دانشگاه جامع علمی- کاربردی از سال ۱۳۸۷ شروع به تولید کتاب‌های درسی مورد نیاز این دانشگاه کرده و در این راه می‌کوشد با استفاده از تجربیات ارزشمند اساتید محترم به هدف‌های زیر دست یابد:

۱- کتاب‌های درسی تولید شده با سرفصل‌های این دانشگاه مطابقت کامل داشته و از نظر محتوایی مورد تأیید قرار گرفته باشد.

۲- از کیفیت فنی مناسب برخوردار باشد.

۳- از فناوری‌های نوین استفاده شود.

۴- در تولید محتوا، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی مد نظر قرار بگیرد.

۵- تا حد امکان ارزان باشد تا خرید آن‌ها برای دانشجویان سهل شود.

۶- به سهولت در اختیار دانشجویان قرار بگیرد.

از آن‌جا که ماهیت تألیف و نشر کتاب به گونه‌ای است که علی‌رغم همهٔ دقت‌ها و وسواس‌های به‌کار رفته، ممکن است لغزش‌هایی نیز به چشم آید، لذا از کلیهٔ استادان محترم و دانشجویان گرامی تقاضا می‌شود این لغزش‌ها را با ما در میان بگذارند تا در چاپ‌های بعدی کتاب لحاظ شود.

انتشارات مبنای خرد

مقدمه مؤلفان

کتابی که در دست دارید حاصل سال‌ها فعالیت آموزشی و پژوهشی در حوزه مسائل مربوط به معارف و اخلاق اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی است که کوشش شده است تا ضمن طرح مباحث نظری در زمینه‌های مختلف مربوط به موضوعات و قواعد اخلاقی و رفتاری، این مباحث‌ها نگاهی کاربردی و عملی به زندگی واقعی نزدیک شود. از سوی دیگر تأکید این کتاب صرفاً بر مباحث عقلی و کلامی نبوده، بلکه سعی شده با بهره‌گیری از کلام وحی و احادیث و روایات معصومین (ع)، دانشجویان مستقیماً با شیوه عملی و سبک زندگی اخلاقی یک فرد مسلمان آشنا شوند.

در این کتاب مسائل مربوط به اخلاق انسانی، هم در صحنه اجتماع و هم در سطح خانواده به نگرشی دو بعدی و تا حدود زیادی مرتبط به یکدیگر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در یک بعد از این نگرش، مسائل اخلاقی با تکیه بر قواعد و هنجارهای دینی عام مورد توجه و تحلیل قرار گرفته و در بعدی دیگر، مناسبات انسانی در بعد خانواده مد نظر بوده است. این نگرش دو بعدی از این جهت اهمیت دارد که از یک‌سو دیدگاه و باور ما را به انطباق‌پذیری ابعاد خرد و کلان رفتار اسلامی در حوزه اخلاقی و اجتماعی به محک تجربه می‌گذارد و نشان می‌دهد که تعارضی میان اصول و قواعد اخلاق دینی در سطوح خرد و کلان وجود ندارد و فرد مسلمان می‌تواند رفتار و منش اخلاقی خود را به گونه‌ای متعادل و متوازن تنظیم کند.

این کتاب به پیروی از سرفصل‌های دروس اخلاق خانواده دانشگاه‌ها در یازده فصل تدوین شده است. برخی از فصول کتاب بیش‌تر بر قواعد اخلاقی در حوزه مناسبات عام اجتماعی تأکید دارد و برخی دیگر بر کاربرد عملی اخلاق در خانواده توجه بیش‌تری دارد. در واقع، هر فصل به بررسی یکی از مفاهیم مهم اخلاقی اختصاص دارد و در آن، مباحث مربوطه به صورت یک‌جا و هماهنگ گنجانده شده است. در آغاز هر فصل اهدافی ذکر شده که خواننده بایستی با مطالعه فصل به آن‌ها دست یابد. در پایان هر فصل نیز خلاصه مطالب آمده است.

خانواده به عنوان نهاد بنیادین تشکیل دهنده جامعه در اسلام جایگاهی والا دارد و

بسیاری از قواعد و احکام اخلاق اسلامی مستقیماً برای حفظ و تقویت کيان خانواده و زمینه‌سازی برای پرورش انسان‌های صالح در بستر آن، صادر شده است. امید است مطالعه این کتاب دانشجویان را بیش از پیش به تحقیق علمی و در عین حال عمل به قواعد اخلاقی در جامعه و خانواده علاقمند سازد.

شک نیست که این کتاب هم‌چون هر تلاش علمی و فرهنگی دیگری دچار ضعف‌ها و خطاهایی است؛ لیکن اطمینان و امید ما به همراهی و حمایت خیرگان علمی، اهل فضل، و دانشجویان آگاه و نکته‌سنج در رفع آن‌ها، این نگرانی را که خطاهای نادیده بماند، رفع می‌کند و امیدواری به اصلاح و بهبود در چاپ‌های بعدی را تقویت می‌نماید.

عصمت سوادى

فاطمه نوغانى

اکرم میناوند

۱۳۸۹

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

ضرورت و نیاز انسان به اخلاق به خصوص در دوران مدرن

در دورانی که ما زندگی می‌کنیم اهمیت مسائل اخلاقی با این‌که در ظاهر کم‌تر به آن توجه داده می‌شود، بیش‌تر شده است. زندگی، آسایش و حرمت شخصی ما بیش از گذشته به این بستگی دارد که تا چه حد در جامعه اصول و احکام اخلاقی رعایت می‌شود. انسان امروزی بیش‌تر از هر زمان دیگری آزاد است تا برای رسیدن به خواسته‌ها و امیال خودش به هر کاری دست بزند و در این راه به هویت و کرامت انسانی لطمه وارد کند.

از گذشته‌های دور اخلاق در بین جوامع از سه خاستگاه در بین انسان‌ها برمی‌خاست و ترویج پیدا می‌کرد. باورهای مذهبی، هنجارهای اجتماعی و آموزش‌های فلسفی، سه بنیاد اصلی ترویج آموزه‌های اخلاقی بوده‌اند. اما اینک هر سه این خاستگاه‌ها اعتبار و نفوذ خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند. در کشورهای غربی نمود آن عیان است و در کشورهای در حال توسعه نیز به دلیل تأثیر و نفوذ تمدن و فرهنگ غرب با وجود مقاومت‌های زیاد به‌طور نسبی در حال گسترش است.

همبستگی قومی و اجتماعی میان مردم در گذشته به قدری عمیق بود که رعایت خیلی از اصول و احکام اخلاقی برای افراد الزام‌آور بود. در گذشته خانواده‌ها به شکل گسترده بودند، فرزندان زیر قطر مستقیم بزرگ‌ترها با نفوذ و کنترل شدید، آداب و اصول اخلاقی خانواده و جامعه را می‌آموختند و ملزم به رعایت آن بودند و گرنه از خانواده طرد می‌شدند، به همین دلیل افراد به دلیل جمعی بودن زندگی، کم‌تر خطا می‌کردند. اما اکنون که خانواده‌های هسته‌ای شکل گرفته‌اند، حضور بزرگ‌ترها و نقش آنان کم‌رنگ شده است و پدر و مادر که به شدت مشغول فراهم کردن مایحتاج زندگی هستند، تربیت و به‌خصوص آموزش اصول اخلاقی را به جامعه سپرده‌اند. بچه‌ها قبل از این‌که اصول اخلاقی در نهادشان درونی شود به جامعه کوچک شده یعنی مهد کودک سپرده می‌شوند که در آن کودکانی از خانواده‌های مختلف گرد هم آمده‌اند و برای برقراری ارتباط نیاز به قوانینی دارند که خودشان تدوین و به زبان خودشان بیان کنند و آن قانون بقا است. این روند در دوران مدرسه و جوانی نیز که تأثیرپذیری از هم‌سالان شدید است، ادامه دارد؛ تا جایی که خانواده بر جوانان و نهادهای آموزشی اشکال می‌گیرد که در انتقال ارزش‌های اخلاقی ناتوان هستند.

در جوامع مدرن هنجارهای اجتماعی به قدری ضعیف شده است که به سختی می توان افراد را به یکدیگر مرتبط ساخت و انسان ها بیش از پیش به صورت افراد مجزا، مستقل و بی اعتنا نسبت به یکدیگر در آمده اند. بحران های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و از بین رفتن باورهای سخت گیرانه سنتی و دولتی، تضعیف دستگاه های امنیتی را به همراه دارد.

در گذشته نه چندان دور آموزه های دینی، مرجعی بی چون و چرا برای آموزش اصول اخلاقی بودند، به طوری که بیان یک حکم اخلاقی از مقنن دینی لازم الاجرا بود اما اینک در کنار آن باید دلایلی ارائه شود تا نسل نو آن را بپذیرد.

در جوامع غربی که دین به امر و رابطه ای شخصی بین انسان و خداوند تبدیل شده است و مراجع دینی کلیسا مشروعیت خود را از دست داده اند و احکام و مسائل دینی به موضوعاتی احساسی و شخصی تبدیل شده اند دیگر نمی توان با کشش ها و پیچیدگی های زندگی مدرن به انکا احکام دینی و مذهبی افراد را به رعایت قوانین اخلاقی دعوت کرد.

آموزش های فلسفی که آن را می توان تبیین عقلانی ناصید از ابتدا در تمدن یونان باستان توسط معلم اخلاق، سقراط، پایه گذاری شد. او با بررسی عقلانی نیکی و بدی، افراد را به رعایت اخلاق رهنمون می کرد، «اما امروزه فلسفه جز در محدوده ای کوچک به جوانب گوناگون این احکام پرداخته و تشخیص نیکی و بدی را به کنار گذاشته است.»

در شرایطی که زندگی انسان درگیر مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، شرایط به قدری سخت شده است که فرد به موجودی خرد و حقیر تبدیل شده است، او دیگر به مبارزه با این شرایط دست نمی زند و خود را درگیر مشکلات دیگران نمی کند، او بیش تر سعی می کند تا از فرصت های ممکن استفاده کند و برای این که امکانات لازم را برای بهره مندی از یک زندگی بی درد سر برای خود و خانواده اش فراهم کند، فداکاری و احساس مسئولیت نسبت به زندگی و موقعیت دیگران برای او اهمیت چندانی ندارد.

به این ترتیب لزوم شناسایی و آموزش آموزه های اخلاقی در خانواده و جامعه امروزی بیش تر مشخص می شود. این آموزش ها از طریق تربیت، که هدف آن رساندن انسان به سعادت است، انجام می شود. اما مقدمه تربیت، تعلیم است و تربیت مقدمه اخلاق و اخلاق مقدمه رسیدن به سعادت است. سعادت در لغت، به معنای عون و کمک است و در عرف به معنای سرور، خوشی و آسایش است. در مقابل، شقاوت به معنای رنج و مشقت است. در نظام الهی یاری و کمک در دنیا و آخرت به خصوص در آخرت از آن خدا است چنان که قرآن کریم می فرماید: ^۱ هیچ کمکی و یاری جز از سوی خداوند حکیم وجود ندارد.

جایگاه اخلاق در دین اسلام

در دین اسلام اخلاق دارای جایگاهی ویژه و مقامی بلند است. تا جایی که پیامبر(ص) هدف از رسالت خود را در کامل نمودن اخلاق شایسته خلاصه نموده است. این فرموده پیامبر(ص) است که: خداوند مرا برانگیخته است تا اخلاق نیکو را کامل کنم. خداوند مهربان در آیات قرآن کریم هدف از تکلیف انسان به عبادت، چه اجمالی و چه تفصیلی را اصلاح اخلاق و سلوک انسان بیان نموده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«ای مردم! خدای را بپرستید، آن که شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده‌اند، تا پرهیزگاری در پیش گیرید.»

بر این اساس، اسلام برای اخلاق حسنه فضیلتی بزرگ قائل شده و در مقابل آن نیز اجری بزرگ به انسان وعده داده است: با اخلاق، انسان به دوستی خداوند نائل می‌شود (خداوند او را دوست می‌دارد). هنگامی که از پیامبر(ص) پرسیده شد: «خداوند کدام یک از بندگان خود را بیش‌تر دوست دارد؟ فرمودند: کسانی که اخلاق آن‌ها از همه بهتر باشد.» بعد از این که خداوند کسی را دوست بدارد، محبت او در دل مردم نیز قرار می‌گیرد و دوستی مردم را نیز به دست می‌آورد.

با اخلاق حسنه، کفه ترازوی اعمال خوب انسان در روز قیامت سنگین می‌شود؛ پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هیچ چیزی در ترازوی اعمال انسان در روز قیامت از اخلاق حسنه سنگین‌تر نیست، پس هرگاه اخلاق حسنه با عمل اندک هم در ترازو گذاشته شود کفه‌ی ترازو سنگین شده و انسان نجات پیدا می‌کند. اما اگر اخلاق سیئه در ترازوی اعمال گذاشته شود، کفه‌ی ترازو سبک شده و انسان هلاک می‌گردد. هر چند عبادت بسیار و عمل زیاد هم داشته باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده، اخلاق و تربیت اسلامی، با ویژگی خاص و بعد متعالی خود تضمین‌کننده سعادت انسان است که فراگیری علمی و عمل به آن، با شیوه منطقی و در چارچوب برنامه‌های آموزشی و تربیتی، امری ضروری و لازم است.

خانواده در اسلام امری مقدس و عامل و سببی برای دستیابی به کمال، مودت، رحمت، انس و صفا است. خانواده را سنگ اول و زیر بنای جامعه می‌دانند که از اجتماع مشروع، والدین و فرزندان پدید آمده و در برخی از جوامع حتی در برگرنده خویشان و اقوام و نیز

۱ - بقره ۲۱۰. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

۲ - نهج الفصاحه، ما احب عباده الله إلى الله؟ قال احسنهم اخلاقاً.

۳ - نهج الفصاحه، عاكف، ۱۳۸۶.

همسایگان و افراد قبیله است. در حقیقت خانواده مانند مثلثی است که دو گوشه آن را پدر و مادر و یک گوشه آن را فرزند یا فرزندان در بر می‌گیرد که معاشرت زوجین با هم، معاشرت زوجین با فرزندان، معاشرت فرزندان با پدر و مادر، (زوجین) سه رأس این مثلث می‌باشند. محبت مانند قانون جاذبه، در این جهان است، همان‌طوری که این جهان برپایه قانون جاذبه برپا است، خانواده نیز بر اثر وجود محبت در خانواده، استوار می‌ماند. در یک گام جلوتر باید گفت: نظام هستی بر اساس مهر و محبت پروردگار به انسان پدید آمده است. اگر یک لحظه قانون جاذبه از دنیا برداشته شود، دنیا به هم می‌ریزد و اگر محبت نیز در خانواده دچار اشکال شود، خانواده از هم پاشیده می‌شود. اگر در خانواده محبت نباشد، آن خانه همانند قبری است که در آن عذاب وجود دارد. از نشانه‌های خدا در این جهان این است که برای زن، مرد آفریده و برای مرد، زن آفریده است تا تشکیل خانواده دهند و برای یکدیگر آرامش‌بخش باشند. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که^۱: «هیچ بنایی در اسلام نزد خدا محبوب‌تر از ازواج نیست» و هم‌چنین داریم هیچ بنایی افضل از تشکیل خانواده نیست و ملاط این بنا، محبت است. استاد مطهری لزوم عشق و ابراز محبت نسبت به زن را این گونه بیان می‌کند: مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان نیز گل‌ها، چشمه باید باران کوهسار را جذب کند تا بتواند آن را به صورت زلال بیرون دهد و گل‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم کند، پس همان‌گونه که حیات دشت، از باران کوهستان است، رکن حیات خانوادگی نیز ابراز احساسات و عواطف مرد نسبت به زن می‌باشد که در پرتو آن زندگی و زن و فرزندان جلال و خرمی می‌گیرند. حضرت محمد (ص) ابراز محبت نسبت به همسر را از نشانه‌های ایمان به خدا می‌دانند و می‌فرمایند: «هر چقدر که ایمان انسان کامل‌تر باشد به همسرش بیش‌تر ابراز محبت می‌کند»^۲. زنی که بداند برای همسرش «مهم» است و شوهرش ارزشی والا برایش قائل است، آن هنگام می‌تواند با شور و اطمینان به محبت کردن به همسر و فرزندانش بپردازد، به این ترتیب روح حاکم بر خانواده، روح عدالت، تفاهم، رحمت و احترام، علاقه و افزودن اعتماد به یکدیگر است. هم‌چنین عظمت و کمال خانواده خوش‌اخلاقی و حسن معاشرت و مهربانی کردن به یکدیگر نیز شامل آن‌ها می‌شود.

۱ - حر عاملی، محمدتقی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۲ - نهج الفصاحه.